

## خبر

**کمال‌زاده: کیانوش عیاری بازیگری یادم داد**

**بازی در نقش فرشته**

**تجربه‌ای متفاوت برایم بود**

**عاطفه نجفی**

شهزاد کمال‌زاده در دو سال گذشته بازیگر پر‌کاری در تلویزیون بود و سال ۹۶ را هم با سریال نوروزی شبکه دو «مرز خوشبختی» آغاز کرد. او در این سریال در نقش دختری به نام فرشته ظاهر شد که نقشی متفاوت با آنچه مخاطبان تا به امروز از او دیدند بود. «مرز خوشبختی» دومین تجربه همکاری این بازیگر با حسین سهیلی‌زاده بعد از سریال مناسبی «بناز» است که تجربه خوبی را برای بازیگرش رقم زده است.

**تقسیم در «مرز خوشبختی» متفاوت بود**

شهزاد کمال زاده در تلویزیون نقش‌های مختلفی را بازی کرده و در ایام عید نیز با سریال «مرز خوشبختی» و نقش فرشته که شخصیتی شیرین و با مزه بود به شبکه دو آمد، او درباره بازی در این نقش که تجربه‌ای متفاوت بوده می‌گوید: «برخی از نقش‌هایی که اخیراً در سریال‌های تلویزیون بازی کرده بودم، رگه‌های منفی داشت یا به زعم برخی از مخاطبان نقش‌های خاکستری بودند اما وقتی سریال «مرز خوشبختی» به من پیشنهاد شد با یک فیلمنامه و نقش متفاوت رو به رو شدم و به عنوان یک بازیگر برایم جای خوشحالی داشت که بتوانم از این فرصت استفاده کنم و شخصیتی متفاوت را به تصویر بکشم. یکی از مشکلاتی که در سینما و تلویزیون ما وجود دارد این است که برخی از کارگردان‌ها ریسک پذیر نیستند، ریسک نه به آن معنا که بخواهند نتیجه کار خودشان را زیر سوال ببرند، ولی سپردن نقش‌های متفاوت به بازیگر به نظر من اتفاقی طبیعی است که باید بیفتد.»

**کاش کارگردان‌ها ریسک می‌کردند**

بازیگران در همه جای دنیا نسبت به ایفای نقش‌های متفاوت علاقه نشان می‌دهند، هنرمندان سینما و تلویزیون ایران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بازیگر سریال «آرام می‌گیریم» درباره علاقه اش به بازی شخصیت‌های مختلف می‌گوید: «در سینما و تلویزیون ما وقتی یک بازیگر نقش مثبت بازی می‌کند همه او را برای این نقش‌ها انتخاب می‌کنند و فکر می‌کنند فقط از عهده ایفای این کاراکترها بر می‌آیی، برعکس وقتی نقش منفی و پر شر و شور را بازی می‌کنی همه نگاه‌ها به تو این می‌شود. مثل اتفاقی که برای من بعد از بازی نقش بهاره در سریال «راه طولانی» رضا کریمی افتاد و بعد از آن همیشه کاراکتر منفی بودم. در «بچه‌های نسبتاً بد» هم یک دختر تین ایجر ولی خاکستری را بازی کردم. ولی بعد از این کارها آقای عرب‌نیا من را برای بازی در سریال‌شان انتخاب کردند که نقشی متفاوت بود، یک مادر افسرده و بی حرکت که برای من به عنوان بازیگر که دوست دارم تجربه‌های متفاوتی در زمینه کاری‌ام داشته باشم جذابیت‌های زیادی داشت. آقای سهیلی‌زاده هم در سریال «بناز» تجربه قبلی که با هم داشتیم نقشی دیگر به من سپردند که باز هم تا حدودی خاکستری بود اما فرشته در «مرز خوشبختی» شخصیتی متفاوت بود که شاید فکرش را هم نمی‌کردم چنین نقشی را بازی کنم.»

**هیچ وقت به کمدی فکر نمی‌کردم**

از آنجایی‌که حضور یک بازیگر در یک نقش یا ژانر ممکن است او را به کلیشه در آن تبدیل کند، برخی از بازیگران ترجیح می‌دهند با احتیاط در فیلم یا سریالی کمدی بازی کنند. شهزاد کمال‌زاده

هم از آن دسته بازیگرانی است ابتدا نسبت به بازی در مجموعه

ای طنز تردید داشته است، او می‌گوید: «من قبل از اینکه در

سریال «مرز خوشبختی» بازی کنم هم پیشنهاد بازی در آثار کمدی داشتم اما راستش خودم علاقه چندانی به این ژانر نداشتم.

البته از طرف مخاطبان بازخوردهایی داشتم که ظاهراً دوست دارند

من را در نقشی متفاوت ببینند. ماجرای «مرز خوشبختی» اما فرق

داشت، اول اینکه من با آقای سهیلی‌زاده قبل از این سریال هم

کار کرده بودم و ویژگی‌های کاری و حرفه‌ای ایشان را می‌شناختم

و بعد فضای این کار کمدی صرف نبود. این سریال قصه‌ای

داشت که در جامعه ما اتفاق می‌افتد و آن را با لحنی شیرین

و طنزگونه به تصویر کشید. یکی از ویژگی‌های کارگردانی آقای

سهیلی‌زاده اشرف و مدیریت دقیق است که به کار و گروه دارند،

من هم چون در سریال «بناز» این شناخت را نسبت به ایشان

پیدا کرده بودم وقتی گفتند نقش فرشته را در این فیلمنامه برایم

در نظر گرفتند می‌دانستم که نباید تردید داشته باشم. تجربه کار

در محلات هم جزو شیرینی‌ها و خاطرات قشنگ این سریال بود

که برای من رقم خورد و طبیعت زیبای آنجا، بکر بودن برخی از

مناطقش و دور بودن از هیاهو و جنجال زندگی شهری روحیه‌ام را

در مدتی که آنجا فعالیت می‌کردم خوب‌تر کرده بود.»

**از کیانوش عیاری درس بازیگری یاد گرفتم**

بازیگر سریال «رنگ شک» از سن کم وارد دنیای بازیگری شده و در این مدت تجربه همکاری با چهره‌هایی چون کیانوش عیاری، فریبرز عرب‌نیا و … را داشته است، او درباره تجربیاتی که در این سالها از همکاری با این کارگردان‌ها به دست آورده توضیح می‌دهد: «من سن زیادی نداشتم که وارد عرصه بازیگری شدم و خوشحالم که در اولین تجربه حرفه‌ای‌ام با کارگردان به‌نام و مطرحی چون کیانوش عیاری همکاری کردم. جالب است که یکی از بزرگترین درس‌های بازیگری‌ام را از آقای کیانوش عیاری گرفتم. من اولین نقش زندگی‌ام را زمانی که ۱۶ ساله بودم، در «هزاران چشم» ایشان بازی کردم. یادم می‌آید بعد از اینکه من را انتخاب کردند و کار تمام شد، از ایشان پرسیدم چرا بدون اینکه هیچ تستی بگیریم من را برای بازی در کارتان انتخاب کردید و آقای عیاری در جواب گفتند اگر کارگردان کارگردان باشد وقتی یک بازیگر را می‌بیند متوجه می‌شود که آیا او هنر ایفای یک نقش را دارد یا نه.»

## {فرهنگ و هنر}

**نگاهی به کتاب «سه نفر بودیم»**

# تراژدی سینمای کمدی ایران

**نیره رحمانی**

محمد متوسلانی یکی از آن چهره هاست که در سینمای ایران، توانایی‌های بالقوه اش نتوانستند به درستی به فعلیت برسند و از این سبب نتوانست آن جایگاه را که در خور او بود کسب کند. تقدیر در همان ابتدای راه سرنوشت او را با دو بازیگر دیگر رزه تا به اتفاق تنها تیم سه نفره سینمای کمدی ایران را با تأثیرپذیری از نمونه‌های مشابه خارجی اش پایه گذاری کنند. به عنوان بازیگر گروه سه نفره آنها در میانه دهه چهل شهری به هم زد، اما نه آنقدر که آنها را در جایگاه ستارگانی چون فردین و ناصر ملک مطیعی و از این دست بنشانند. در این ایام اعضای این گروه سه نفره به تنهایی چهره نبودند و موجودیت آنها تنها در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کرد. هر چند منصور سپهرنیا خارج از گروه در نقش‌های مکمل نیز موفقیت‌هایی بدست آورد، اما او تنها در فیلمهای سه نفره خودشان نقشهای محوری برعهده داشت و در دیگر فیلمها نهایتاً نقش وردست یا نمک قهرمان را بازی می‌کرد.

خیلی اتفاقی در فیلم توفان در شهر ما ساخته ساموئل خاچیکیان (۱۳۳۶)، محمد متوسلانی در کنار منصور سپهرنیا و گرشا رنوفی نقشهایی کوتاه برعهده گرفتند. سه «سوسول» که در خیابان لاله زار دنبال خواهر قهرمان فیلم می‌افتادند و مزاحمت‌هایی برای او و دوستانش ایجاد می‌کردند.

حضور این سه شخصیت در میانه فیلمی حادثه‌ای جنایی، فراربود دقایقی مفرح و کمیک

را به هم‌راه داشته باشد. بی شک هیچ یک از آنها نمی‌توانستند پیش‌بینی کنند اولین نقشهای آنها به الگوی مادر فیلمهای کمدی سه نفره‌ای بدل شود که با همانها در تاریخ سینمای ایران مشهور می‌شوند. در این گروه سپهرنیا بار کمدی فیلم‌ها را برعهده داشت و می‌کوشید با شوخی‌ها و ادا و اطوارش نمک فیلم باشد، گرشا معمولاً شخصیت خودخواه و منفعت طلب گروه بود و متوسلانی نیز شخصیت خیرخواه که اغلب مغز متفکر گروه هم بود. در این میان خود متوسلانی هم کارگردانی پاره‌ای از این فیلمها را برعهده گرفت.

متوسلانی از دل سینمای فارسی بیرون آمد، پس به اجبار در همان مسیری حرکت کرد که مناسبات سینمای فارسی امکانش را می‌داد، اما در میانه دهه پنجاه بود که به یکبار تصویر متفاوتی از خود نشان داد، آن هم در کسوت فیلمساز که تفاوت بسیاری با تجربه کارگردانی فیلمهای سه نفره شان داشت.

از فیلم قابل‌اعتنای «ذبیح» که بگذریم، «سازش»یکی از بهترین فیلمهای دهه پنجاه سینمای ایران بود که توسط متوسلانی ساخته شد. یک کمدی هوشمندانه‌ی موقعیت، با مایه‌های انتقادی صریح اجتماعی و حتی سیاسی که نشان از بضاعت بالای فیلمسازی داشت که در سینمای ایران مجبور به ساخت آثاری نازل شده بود.

محمد متوسلانی زمانی فعالیت خود را آغاز کرد که سینمای ایران تازه در حال پاگرفتن بود. چند سالی از پایان دوران فترت سینمای ایران می‌گذشت و تولید فیلم داخلی با وجود رقبای بزرگ خارجی اش در حال افزایش بود. در این ایام افراد بی‌تجربه بسیاری جذب سینمای ایران شدند.

تجربه فیلمسازی در ایران با هیچ کجای دنیا قابل‌قیاس نیست، به خصوص در دهه‌های نخست شکل‌گیری آن که نه جایی برای تحصیل سینما وجود داشت و نه حتی چهره‌های باتجربه که بتوانند جوانترها را آموزش دهند. این سینما میدانی بود که آدمهایی خود ساخته، اغلب با سعی خطا و به مدد پشتکار و قریحه خود در آن کسب تجربه کرده و پرورش می‌یافتند.

کتاب «سه نفر بودیم» تصویری زنده و ملموس از این فضا پیش‌روی خواننده می‌گذارد. این کتاب اگرچه شرح خاطرات یکی از پیشکسوتان این سینماست، اما در عین حال شرح فراز و فرودهای این سینما نیز هست. داستان سینمایی که نه دولت آن را جدی می‌

## منابع

شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۶

#### خبر

**رضا رویگری: حالم خوب است**

**بخش فرهنگی** – رضا رویگری گفت: من حالم خوب است؛ به شایعه‌ها توجه نکنید.

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی با ایسنا با گله از برخی شایعه‌های مطرح شده در فضای مجازی، خاطرنشان کرد: امیدوارم خدا این آدم‌ها را که این‌گونه در فضای مجازی شایعه‌بخش می‌کنند، شفا بدهد.

او با بیان این‌که «منی‌دائم برخی از سرک کشیدن در زندگی و احوال مردم چه سودی می‌برند»، گفت: من خودم البته از این شایعه‌ها اذیت نمی‌شوم؛ چون خودم می‌دانم که حالم خوب است!

رویگری ابراز امیدواری کرد، در سال جدید این‌گونه مسائل کمتر شود و عشق و محبت بیشتر شود.

او همچنین گفت: مردن برای همه است و بالاخره همه‌ی ما می‌رویم ولی نمی‌دانم برخی چه اسراری دارند برخی‌ها زودتر بروند!

رضارویگری در پایان به خیرنگار ایسنا گفت، پیشنهادهایی برای بازی دارد اما هنوز هیچ‌کدام قطعی نشده است.

## مهران مدیری:

**هرگز اهداف سیاسی نداشته‌ام**

**بخش فرهنگی** – مهران مدیری در مستند «دچار» از رویکرد غیرسیاسی آثار و برنامه‌هایش گفت و از سیاست‌زدگی جامعه انتقاد کرد.

به گزارش خبرآنلاین، مهران مدیری در بخشی از ویدئو آرت «دچار» به کارگردانی بهاره افشاری بازیگر سینما و تلویزیون، صحبت‌هایی درباره زندگی شخصی و حاشیه‌های فعالیت‌هایش مطرح کرده است.

مدبری در ابتدای این مستند گفت: «مردم دوست دارند درباره زندگی شخصی کسانی که کار هنری می‌کنند بدانند. اما به نظرم دلیلی ندارد کسی از زندگی شخصی یک هنرمند خبر داشته باشد. هر چند برای مردم جذاب باشد، اما کمکی به آن هنرمند و مردم نمی‌کند.»

او سپس درباره سیاست‌زدگی فضای کشور، بیان کرد: «مشکل ما این است که جامعه‌مان سیاسی و سیاست‌زده است یعنی از هر حرکت و اثری تلقی سیاسی می‌شود.

همیشه از هر کاری که کردم تعبیر سیاسی شده؛ چه این ستمی چه آن ستمی. اما هرگز هدف سیاسی نداشته‌ام، ممکن است گاهی حرف اجتماعی یا فرهنگی تند زده شده باشد، اما هیچ وقت سیاسی نبوده. من هیچ وقت جهت‌منخص سیاسی نداشتم. چون اصلاً در فکرم نبود که از کارم منظور سیاسی برسانم. ولی وقتی دیدم این واکنش‌ها به وجود می‌آید، از یک جا دیگر مواظب شدم و مواظبت کردم که از کارهایم تعبیر سیاسی نشود. هیچ کاری نمی‌شود و هر کاری بکنیم تعبیر سیاسی دارد و دیگر از دست مان خارج شده.»

مدبری در مورد قضاوت‌هایی که نسبت به او می‌شود، گفت: «ملا برایم مهم نیست که قضاوت بشوم. چه در نقد آثار هنری، چه منظر منتقدین، چه قضاوت‌های خیلی از مردم و چه در زندگی شخصی و مسائل مالی و روابط اجتماعی. به این دلیل که اگر شما بخواهید برای این موضوع وقت بگذارید، در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که تمام انرژی‌تان باید صرف این قضاوت‌ها بشود. به همین دلیل فضای مجازی ندارم. چون مدام باید چک کنم که چه خبره و راجع به من چی می‌گویند و این شده همه زندگی یک عده که راجع به آنها چه می‌گویند! همیشه یا اندوهگین‌اند یا خوشحال و اصلاً حالت نرمال طبیعی ندارند. با قضاوت‌های خوشحال و با قضاوت‌ها ناراحت می‌شوند.»

او در همین راستا ادامه داد: «من یک جمله همیشه می‌گویم و به آن معتقدم که توضیح دادن نشانه ضعف است و شما هر وقت بخواهید چیزی را بیشتر توضیح بدهید، بیشتر ضعیف هستید. به نظرم قدرت در این است که شما هیچ چیزی را هیچ وقت توضیح ندهید و کاری که فکر می‌کنید درست است انجام بدهید. حقیقت هرگز پنهان نمی‌ماند، هرچه بیشتر توضیح می‌دهید بیشتر به شما فحش می‌دهند و حمله می‌کنند و به جایی می‌رسی که باید بشینی گریه کنی و وقتی گریه می‌کنی باز بیشتر فحش می‌دهند و حمله می‌کنند و این خیلی در کشور ما بامزه است. بنابراین هیچ وقت سعی نکردم چیزی را توضیح بدهم. حتی اگر سوتفاهم بوده و به غلط اخباری به مردم رسیده، معتقدم توضیح دادن از ضعف است و حقیقت همیشه روشن خواهد شد.»

## «۱۹۸۴» جرج اورول در اعتراض

**به ترامپ اکران شد**

**بخش فرهنگی** – نمایش فیلم «۱۹۸۴» که با اقتباس از رمانی به همین نام نوشته جرج اورول ساخته شده در اعتراض به سیاست‌های دونالد ترامپ در آمریکا انجام شد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از رویترز، نزدیک به ۲۰۰ سینمای مستقل در آمریکا روز سه‌شنبه با نمایش نسخه سینمایی فیلم «۱۹۸۴» جرج اورول، درباره آینده‌ای پادآرمانی که گفته می‌شود در آن سازمان‌های دیکته‌کننده پادآور دولت ترامپ است، به نمایش درآمد. این نمایش در ۴۴ ایالت آمریکا و آن در ماه ژانویه یک روز صورت گرفت و به گفته سینماداران برای این انجام شد که بر «ارزش‌های اساسی یعنی آزادی بیان، احترام به ارزش‌های انسانی و حقیقتی که نباید چیزی جایگزین آن شود»، تأکید کند.

این فیلم همچنین در کانادا، انگلستان ، سوئد و کرواسی نیز نمایش داده شد.

کتاب «۱۹۸۴» محصول ۱۹۴۹ در ماه ژانویه در آمریکا و به دنبال روی کار آمدن ترامپ پر فروش شد. در این کتاب مفهوم «بیگ برادر» نیز یادآور دولت و سازمان‌های وابسته در نظارت و کنترل زندگی شهروندان است.

این رمان بریتانیایی با استقبال آن در ماه ژانویه بار دیگر تجدید چاپ شد و این پس از آن صورت گرفت که یکی از مقامات رسمی کاخ سفید از واژه‌ای که در کتاب کاربرد دارد، استفاده کرد.

دام برنامو که مدیریت نمایش همزمان این فیلم را برعهده داشت گفت مسایل این فیلم یادآور زندگی امروز

و نزدیک به ۷۰ سال پس از نوشته شدن کتاب است.

گیرد و نه روشنفکران ارزشی برایش قائل هستند؛ پس به اجبار چشم امید به استقبال عامه مردم دارد. صنعتی نوپاست که برای بقا باید سلیاق عامه مردم را شناسایی کرده و براساس آن فیلم می‌ساخت و یا به آنها چیزی می‌داد که خود فاقد آن بودند. از این منظر سینمای ایران بستر بسیار خوبی برای ردیابی و شناخت جامعه ایران آن روزگار نیز هست. محمد متوسلانی در کتاب «سه نفر بودیم» که در قالب گفتگویی بلند با فرخنده آقایی منتشر شده، به شرح خاطراتش از کودکی تا کنون پرداخته و در آن از تجربه‌هایش در سینمای ایران سخن گفته، از چهره‌های نام‌آشنای گوناگونی یاد کرده که سهمی در سینمای ایران داشته‌اند و در این رهگذر سعی کرده است روایت خود را تاریخ سینمای ایران ارائه کند، حکایت مسیری که سینمای ایران پیموده است چه زمانی که اوج گرفته و چه زمانی که سیر نزولی داشته است.

اگر چه فرخنده آقایی بیشتر به عنوان یک داستان‌نویس شناخته می‌شود و نه سینمایی‌نویس یا منتقد فیلم اما باید اعتراف کرد به خوبی از عهده انجام این گفتگو بر آمده و بستر را به گونه‌ای فراهم کرده گفتگوشونده در کنار سخن گفتن از زندگی خود از سینما نیز سخن گفته و در واقع به ترسیم اوضاع و احوال سینمای ایران در آن سالها بپردازد. گویا در ابتدا فرخنده آقایی تصمیم داشته روایتی داستانی برای ثبت و ضبط خاطرات متوسلانی در پیش بگیرد اما در نهایت به شکل پرسش و پاسخ را به آن ترجیح داده است که این شیوه روش مطمئن تری هم برای ثبت خاطرات شفاهی محسوب می‌شود.

محور اصلی کتاب خاطرات محمد متوسلانی است، اما در عین حال گرشا رنوفی و منصور سپهرنیا نیز مورد توجه فرخنده آقایی قرارگرفته‌اند. از میان اعضای این گروه گرشا رنوفی در سال ۱۳۸۶ در گذشت، خوشبختانه منصور سپهرنیا همچنان در قید حیات است و گویا در هنگام انجام بخشهایی از این گفتگو نیز حضور داشته است. گفتگوی کوتاهی نیز با او انجام شده که به انتهای کتاب افزوده است. خود متوسلانی نیز یادداشت کوتاهی به یاد گرشا رنوفی برای این کتاب نوشته است.

با اینحال حجم عمده کتاب را گفتگو با متوسلانی تشکیل می‌دهد. کتاب با یادداشتی از فرخنده آقایی آغاز می‌شود که از چند و چون کار و دلایل رفتن به سراغ این گفتگو و نحوه انجام و تنظیم آن سخن گفته است و اشاراتی نیز به متوسلانی و گروه سه نفره شان داشته است. اما این محسن بیگ آقا است که وظیفه

نوشتن مقدمه‌ای درباره سینمای کمدی ایران و جایگاه این گروه سه نفره را برعهده گرفته است. این منتقد قدیمی در این نوشته موجز اما دقیق نگاهی گذرا به مهمترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های فیلمهای سه نفره این گروه داشته است و اطلاعات کارآمدی برای ورود خواننده کتاب به متن گفتگو فراهم آورده است.

به این ترتیب کتاب حاضر تنها به زندگی و آثار محمد متوسلانی خلاصه نشده، در انتهای آن نیز گاهشمار زندگی هر سه بازیگر و کارنامه کاری شان به کتاب پیوست شده است؛ آلبوم عکسهایی از دوران مختلف فعالیت متوسلانی و همچنین همکاری با گرشا رنوفی و منصور سپهرنیا پایان بخش این کتاب جذاب و خواندنی برای علاقمندان تاریخ سینمای ایران است. و سخن آخر اینکه : در سینمای ایران هیچگاه گونه کمدی چنان که باید جدی گرفته نشده، این در حالی است که چه در گذشته و چه در زمان حال هر گاه دغدغه فروش وجود داشته کمدی یکی از تضمین شده ترین راه‌ها محسوب می‌شده است. اما چرا اغلب فیلمسازان براین گمان بوده‌اند که برای ساختن فیلم جدی نمی‌توان سراغ گونه کمدی رفت؟ تجربه چهره‌هایی چون محمد متوسلانی شاید بتواند از این واقعیت دیرپای سینمای ایران رازگشایی کند.

**«عنوان مطلب عنوان کتابی است از عباس بهارلو (غلام حیدری) درباره سینمای کمدی در ایران**

**نگاهی به «آنته کریستا» اثر اِملی نوتومب**

# در ستایش تنهایی



**«آنته کریستا»**

**نویسنده: اِملی نو تومب**

**ترجمه: محبوبه فهیم کلام**

**ناشر: چشمه، چاپ اول ۱۳۹۵**

**۱۰۲ صفحه، ۹۰۰۰ تومان**

<sup>[1]</sup> نیره رحمانی

<sup>[2]</sup> نیره رحمانی

<sup>[3]</sup> نیره رحمانی

<sup>[4]</sup> نیره رحمانی

<sup>[5]</sup> نیره رحمانی

<sup>[6]</sup> نیره رحمانی

<sup>[7]</sup> نیره رحمانی

<sup>[8]</sup> نیره رحمانی

<sup>[9]</sup> نیره رحمانی

<sup>[10]</sup> نیره رحمانی

<sup>[11]</sup> نیره رحمانی

<sup>[12]</sup> نیره رحمانی

<sup>[13]</sup> نیره رحمانی

<sup>[14]</sup> نیره رحمانی

<sup>[15]</sup> نیره رحمانی

<sup>[16]</sup> نیره رحمانی

<sup>[17]</sup> نیره رحمانی

<sup>[18]</sup> نیره رحمانی

<sup>[19]</sup> نیره رحمانی

<sup>[20]</sup> نیره رحمانی

<sup>[21]</sup> نیره رحمانی

<sup>[22]</sup> نیره رحمانی

<sup>[23]</sup> نیره رحمانی

<sup>[24]</sup> نیره رحمانی

<sup>[25]</sup> نیره رحمانی

<sup>[26]</sup> نیره رحمانی

<sup>[27]</sup> نیره رحمانی

<sup>[28]</sup> نیره رحمانی

<sup>[29]</sup> نیره رحمانی

<sup>[30]</sup> نیره رحمانی

<sup>[31]</sup> نیره رحمانی

<sup>[32]</sup> نیره رحمانی

<sup>[33]</sup> نیره رحمانی

<sup>[34]</sup> نیره رحمانی

<sup>[35]</sup> نیره رحمانی

<sup>[36]</sup> نیره رحمانی

<sup>[37]</sup> نیره رحمانی

<sup>[38]</sup> نیره رحمانی

<sup>[39]</sup> نیره رحمانی

<sup>[40]</sup> نیره رحمانی

<sup>[41]</sup> نیره رحمانی

<sup>[42]</sup> نیره رحمانی

<sup>[43]</sup> نیره رحمانی

<sup>[44]</sup> نیره رحمانی

<sup>[45]</sup> نیره رحمانی